

## «سید جمال الدین اسدآبادی، منادی بیداری مشرق زمین»



حسابشده هدف‌های سوم خود را دنبال می‌کرد، در خاور میانه و ممالک اسلامی حکومت دیکتاتوری و استبدادی آنچنان دمازی از روزگار مردم بدر آورده بود که مردم ستمدیده این کشورها از هرگونه نعمت آزادی فردی و حیات اجتماعی بکلی بی نصیب بودند، بویژه در ایران، در زمان حکومت ناصرالدین شاه، مظالم شخص شاه و درباریان و خودسری شاهزادگان به حدی رسیده بود که هر روز با دادن امتیازهای مختلف به روسیه تزاری و انگلیس چپاولگر منابع طبیعی ملل مسلمان را به مزایده گذاشته و خوددر کمال بی‌خیالی و لاپالی گری به عیش و نوش می‌پرداختند.

در چنین محیط تاریک سید جمال الدین اسدآبادی روحانی روستا زاده و روشندل ایرانی که سیاستمداری سخنور و نویسنده‌ای زبردست بود

اگر در چشم من خیر عباد... نباشد کور باشد بهتر است و اگر دستم برای سعادت مخلوق نکوشد از حرکت یاز ماند و اگر پام در راه نجات امت محمد په گام بر ندارد شکسته شود. این است مذهب من و این است مشرب من...

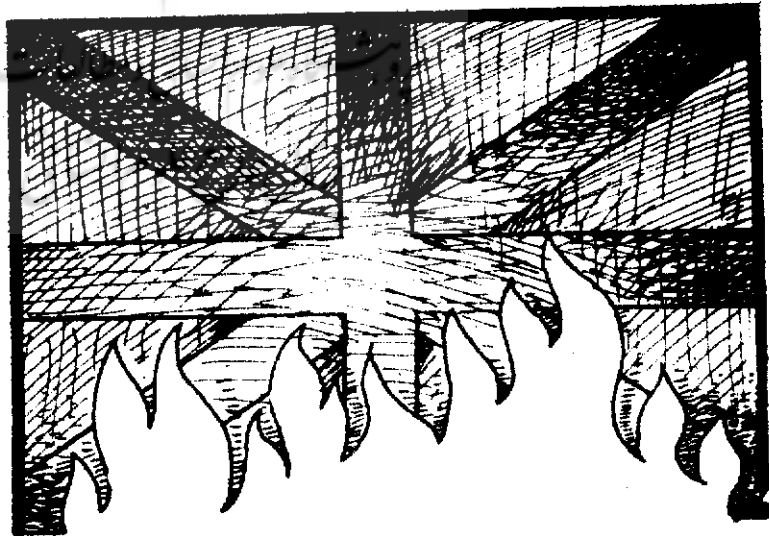
«سید جمال الدین اسدآبادی»  
در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی هنگامی که اروپا در اوج دستیابی به چشم‌نمای شکفت آوری در علم و صنعت بود و هر روز با غارت منابع ملل محروم و استعمار بیروزیهای نوینی در زمینه‌های علمی کسب می‌کرد، بدبختانه ممالک اسلامی چه آنها که در زیر سلطه استعمار بودند و چه کشورهای مستقل، همه در خواب غفلت سر می‌بردند و به همان میزان که اروپا کاملاً بیدار و در تمام رشته‌ها آزادانه سرگرم کار و کوشش بود و خیلی آگاهانه و

## ۲۵ بهمن سالروز

### نهضت تنباکو

حدود صدسال پیش حرکتی در جامعه ما با الهام از شور مذهبی و درک دینی مردم آغاز شد که بزرگترین استعمارگر آنروز جهان یعنی امپراطوری انگلستان را به زانو در آورد و اسلام را به عنوان مکتب رهایی بخش در سراسر دنیا معرفی کرد، این حرکت بگونه‌ای بود که سیاستمداران و استعمارگران وقت اعتراف کردند «تا اسلام و روحانیت در ایران و خاور میانه حاکم باشد استعمار منطقه غیر ممکن خواهد بود».

صد سال پیش که مصادف با دوران قاجاریه و حکومت ناصرالدین شاه بود، دربار ایران محل انعقاد هر نوع قراردادهای امپریالیستی شد و هر روز با انعقاد قراردادهایی وابستگی ملت محروم مسلمان به کفر جهانی عمیقتر و هجوم استعمارگران غربی جهت چپاول منابع اقتصادی به کشورمان بیشتر می‌شد و بخاطر ضعف بیش از حد دولتمردان ایران و سرسپردگی آنها به دولتهای بیگانه انگلیس و روسیه تزاری روز بروز امتیازات بیشتری در ایران بدست می‌آوردند. مهمترین امتیازی که با عقاید و منافع مردم روبرو شد امتیاز انحصار تنباکو بود که طی سفر سوم ناصرالدین شاه به فرنگ (هـ-ق ۱۳۰۶) به دولت انگلیس داده شد، این امتیاز بمدت ۵۰ سال به سرگرد هرالد ف. تالیوت انگلیسی اجازه داد که تولید و معامله تنباکو را در دست بگیرد و در عوض سالی ۱۵۰۰۰ لیر به دربار شاه بپردازد با امضاء این قرارداد هزاران کشاورز، تولیدکننده و فروشنده تنباکو



# یاالله، یاالله

رزمندگان اسلام و مردم رزمنده بوجود آمده به سایر ملل مسلمان بیشتر معرفی کنیم و یک صف آهنین برصنای دستورات و احکام الهی را در سطح بین الملل بوجود آوریم. همه با اولیاء شیطان مبارزه کنیم و می دانیم که کیدهای شیطانی ضعیف است و آنها تماشاخان از بین می روند و بنابراین در مقابل این قدرتی که از جانب خداست هیچ برنامه و حرکتی نمی تواند به ثمر برسد. مگر حرکت اسلامی که آغاز شده است. انشاء...

س: حال اگر پیامی و یا توصیه ای به برادران جهادگرتان دارید بفرمائید

ج: پیام ما جز تشکر و اعلام محبت قلبی چیز دیگری نمی تواند باشد. پیام من همان محبتی که خداوند در قلبمان نسبت به جهادگران ایجاد کرده است این محبت به ایثارگرانی که اینقدر فوثر هستند برای پیشبرد حرکات رزمی ما، این محبت هر چند با این کلمات قابل بیان نیست، ولی چون صدقانه می گوئیم واقعا از حسیم قلب تشکر خودمان را ابلاغ می کنیم. انشاء... وسیله خواهد بود برای ارتباطهای قلبی همانطور که بوده و تحکیمش و این تذکر را هم برای برادران جهادگرمایان داریم که، همچنان که برای ایثارگری در راه خدا با هم رقابت می کنند این رقابتهای فردی به رقابتهای ارگانیکی تبدیل شده و رقابت مقدس است برای حفظ این تقدس، فراموش نکنند که اگر می بینند که موفقیتهای زیادی دلرند در کمکهایی که به جبهه های رزم می کنند و در آن برنامه هایی که بردوششان محول می شود و انجام می دهند و در پیروزی ها سهم می شوند اینها تماش از جانب خداست، لطف و مرحمت خداست که بر آنها نازل شده و سپاس خدای را همیشه بجا آورند. میاد دستخوش آن آفتهایی که از موفقیتهای بدست آمده باشند شوند و به پیام رهبر کبیر انقلاب که در ۲۲ بهمن (همین امروز) که در ماده اولش تذکری می دادند توجهی بکنند تا ما شی از پیش موفق بشویم که این نعمت و برکت الهی را که همین فرصت است برای جانبازی در راه خدا همیشه داشته باشیم و با حفظ اصالتهای حرکت که همان نیت خاصی بوده که رزمندگان ما داشته اند، ایثارگران جهاد داشته اند، موفق بشویم برای خدا باشیم که خداوند همچنان عظمت و اماندهای خودش را بر ما نازل بکند و ما رسالت خودمان را در زمان حیات خودمان در سل خودمان، طوری انجام بدهیم که برای نسلهای آینده قابل تداوم باشد

از چنین موقعیتی برخوردار بود. نامه وی به میرزای شیرازی در مورد حکم تحریم تنباکو نشانگر این مسئله می باشد.

وی در طول عمر پرملاجهای خود دوبار به ایران سفر کرد و در مراجعت به وطن به روشنگری مردم ایران پرداخت که هر دو بار با اذیت و آزار فراوان ناصرالدین شاه روبرو گشت و بار آخر نیز به وضع فجیع و توهین آمیزی بوسیله ایادی شاه از صحن مطهر شاه عبدالعظیم بیرون کشیده و بعد از کتک های بسیار به عراق تبعیدش کردند.

سید تبعید شد ولی افکار انقلابی او در ایران باقی ماند و مانند آتشی خرمن جان هر مسلمانی را به آتش کشید چنانچه چندی بعد میرزا رضای کرمانی یکی از مریدان و عاشقان سید در همان حرم شاه عبدالعظیم ناصرالدین شاه را به ضرب گلوله از پای در آورد.

سید جمال الدین این شیر خروشان و مقاوم در مقابل ظلم و جور پس از تبعیدهای فراوان و رنجها و اسارت ها بالاخره در دست دشمن قرار می گیرد و در زندان طلایی پادشاه عثمانی اسیر و بطرز مرموزی در زندان شهید میگردد. و بدین ترتیب کسی که از خروش آزادی بخش او جانهای مرده مردم حیات یافته بود تنها و بی سرو صدا در دل خاک قرار می گیرد. «والسلام»

قیام نمود و همچون نوری در تاریکی، ظلمتکنده سیاه استعمار را با بیان و قلم سحرآمیز خود در هم درید.

سید جمال بارنمود از مکتب متعالی اسلام و شعار «باز گشت به خویشتن اسلامی» پرچمدار آزادی مسلمین و منادی بیداری ملل مشرق زمین گشت، او در صدد بود تا با آشنا کردن مردم، به تاریخ و مبارزات صدر اسلام حکومت مطلقه استبدادی را در ممالک اسلامی، مصر، حجاز، ترکیه، عراق، سوریه براندازد. وی در مجامع مسلمین اعم از شیعه و سنی با قلم و بیان خود سعی در شناساندن استعمار به مردم و دعوت آنها به گرد محور اسلام به عنوان تنها نجات دهنده مسلمین می نمود و در همه جا با استقبال فوق العاده ای مواجه می گشت و از این طریق شاگردان بسیاری تربیت نمود که هر کدام در مبارزه با ظلم و جور پادشاهان و حکام وقت خدمات با ارزشی از خود نشان دادند از این افراد شخصیت هایی از قبیل شیخ محمد عبده، گواکبی، میرزا رضای کرمانی و محمد احمد مهدی و... را می توان نام برد.

سید جمال بواسطه اطلاعات علمی و سیاسی و احاطه بر تاریخ عالم و اخلاق امم و حسن بیان و سحرکلام در میان علما و بزرگان ایران و جهان نفوذ و موقعیت خاصی داشت که کمتر عالمی در آن زمان

ملا. عام از استعمال دخانیات اجتناب می نمودند. مردم مسلمان و معتقد با عمل بدین فتوا، پایه های نظام ستم شاهی را بلرز در آوردند بطوریکه ناصرالدین شاه برای حفظ سلطنت خود مجبور به لغو این امتیاز گردید، ولی فشارهای دولت انگلیس مانع لغو تمامی این قرار داد از جانب شاه شد. به همین دلیل یک هفته بعد اعلامیه ای بر دیوارها باین مضمون نصب شد.

«بحسب حکم جناب حجة الاسلام آقا میرزای شیرازی اگر تا ۲۸ ساعت دیگر کلیه امتیازات دخانیات لغو نشود پوم آینده جهاد است»

این اعلامیه باعث بوخت افتادن فرنگیان و دربار شاه گردید و در نهایت دولت مجبور شد لغو کلیه قراردادهای داخلی و خارجی تنباکو را بطور رسمی اعلام کند. بدین ترتیب بعد از یک مبارزه ۵۵ روزه بساط کمپانی رژی از ایران برچیده شد و بزرگترین استعمارگر آنروز جهان در برابر اراده ملت مسلمان ایران بزانو درآمد. رفتن کمپانی مزبور از ایران اولین قدمهای در راه پیروزی برعلیه استبداد و استعمار خارجی بود که به رهبری روحانیت آگاه و مبارز شیعه شروع شد، و با وجود اینکه این حرکت انقلابی بواسطه کنار رفتن روحانیت از صحنه سیاست تداوم نیافت و مدت زمانی خاموش ماند ولی الحق می توانیم آنرا سرمشأ دیگر مبارزات و نهضت های ضد استعماری در مناطق مسلمان نشین بدانیم. والسلام

علنا بعنوان کارگزار کمپانی انگلیسی (رژی) در میامند با انعقاد این قرارداد و با خیر شدن مردم از متن کامل آن، ندای اعتراض از اقصی نقاط ایران نسبت به این عمل ننگین برخاست و در رمضان ۱۳۰۷ روحانیون علنا به مخالفت با ناصرالدین شاه پرداختند و ۶۰ نفر از تجار بزرگ تنباکو غریبه ای برای ناصرالدین شاه فرستادند که به هیچ وجه مطیع کمپانی مزبور نخواهند بود.

در شیراز و اصفهان و تبریز و تهران مردم به رهبری روحانیون آگاه دسته دسته مخالفت خود را با دربار آشکار و از جارشان را از انعقاد قرارداد اعلام می داشتند.

بالاخره ندای اعتراض روحانیون و مردم نسبت به قرارداد به گوش میرزای شیرازی که در نجف بود رسید وی ابتدا سعی نمود ضمن تلگرافهایی ناصرالدین شاه را وادار به فسخ قرارداد نماید، ولی بی اعتنائی شاه نسبت به این امر باعث شد میرزای شیرازی مرجع تقلید وقت با فتوای تاریخی خود طومار استعمار انگلیس را در ایران در هم بیچند.

این فتوا بدین مضمون بود «الایوم استعمال تنباکو و توتون بای تحوکان در حکم محاربه با امام زمان عجل... تعالی فرجه است»

بعد از پخش این حکم در سراسر ایران توتون فروشان مغازه ها را بستند و مردم قلبانها را شکستند. نفوذ این فتوا آنقدر زیاد بود که در دربار شاه هم قلبانها برچیده شد و حتی مسیحیان و یهودیان نیز در